

چاپ ۳۰

# بینوایان

جلد اول

ویکتور هوگو  
ترجمه حسینی مستان

بینوایان  
جلد اول

بینوایان  
جلد دوم



ketabtala

# Les Misérables

Victor Hugo

A. Lacroix, Verboeckhoven & Cie.

هوگو، ویکتور مارین، ۱۸۰۲ - ۱۸۸۵ م. Hugo, Victor Marie.  
بیروپاریان / نوشته ویکتور هوگو، ترجمه حسنقلی مستعان.  
تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۶.  
رومان‌های بزرگ دنیا، ۲.  
دوره ۹ - ۱۳۲۲ - ۹۶۶ - ۹۷۸ م. ج ۱، ۱۳۲۳ - ۹۶۶ - ۹۷۸  
چاپ سی‌ام، ۱۴۰۰.  
مستعان، حسنقلی، ۱۳۸۳ - ۱۳۶۶ م. مترجم  
PQ257A / ب ۹ ۱۳۹۶  
۸۲۳/۸  
۴۶۶۲۱۲۴

سرشناسه:  
عنوان و نام پدیدآور:  
مشخصات نشر:  
فروست:  
شابک:  
پان‌داکست:  
شناسه افزوده:  
رده‌بندی کتابخانه:  
رده‌بندی دهیری:  
شماره کتابشناسی ملی:

رمانهای بزرگ دنیا ۲

# ببینوایان

جلد اول

ویکتور هوگو  
ترجمه حسینیقلی مستعان



رومانهای بزرگ دنیا ۲

# بینوایان

جلد دوم

ویکتور هوگو  
ترجمه حسینقلی مستعان



بینوایان

جلد اول

ویکتور هوگو

ترجمه حسینقلی مستعان

چاپ اول ۱۳۴۹ هـ

چاپ سیام هـ زمستان ۱۴۰۰ هـ ۱۰۰۰ نسخه هـ

طرح جلد: Léon Comerre هـ صفحه‌آرایی: معصومه محمدی هـ  
امور چاپ: محمدمبین رضاپور هـ چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه هـ

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی،

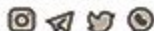
تقاطع خیابان سعدی، پلاک ۲

شماره تماس: ۰۲۱۳۳۹۰۰۷۵۱-۲ و ۶۱۲۸

کد پستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸

amirkabirpub.ir

@amirkabirpubco



### مقدمه مترجم بر چاپ دهم

در سال‌های اخیر، انقلاب و تلاطمی گریبان‌گیر هنر و ادبیات شد. دو جنگ بزرگ خانمان‌سوز در فاصله کوتاه، ویران شدن هزاران هزار کانون خوشبختی، تاریک شدن دل‌ها از خشم‌ها، غیظ‌ها، دشمنی‌ها، نومیدی‌ها، شکست‌های پیاپی، گم شدن یا دگرگون شدن بسی چیزهای خوب و زیبا دنیا را به هم ریخت و گروهی سرخورده و خود از کف داده، که با نابینی یا کم‌بینی و کوتاه‌بینی همه چیز را تباه و نفرت‌انگیز و همه زیبایی‌ها را پیرایه‌های دروغینی برای پنهان داشتن نقص‌ها و زشتی‌ها می‌انگاشتند، پوچی و بی‌حاصلی حیات را اعلام و همه فضایل را و همه حقایق را انکار کردند. شعر، نشر، موسیقی، نقاشی، داستان‌نویسی و تئاتر هم در کشاکش این سیلاب آلوده و تیره افتاد و پرچم‌داران این آشوب کوشیدند تا چیزهایی گندزا و مهوع را به نام هنر بر دماغ مردم تحميل کنند، به نیروی چماق تکفیر و تحقیر و... چه بسیار افراد ناتوان و عاجزی که از ترس همین چماق‌ها مهملاتی را که هیچ معنی نداشت و هیچ از آن‌ها نفهمیدند به نام شاهکار پذیرفتند و برای آن‌ها کف زدند و مقاله نوشتند و سخن راندند!

اما اکنون، در سال‌های اخیر، بلکه می‌توان گفت در ماه‌های اخیر یک برگشت پر دامنه و معجز اثر احساس می‌شود. دماغ‌های روشن در نقاط مختلف دنیا در پی آن برآمده‌اند که ادب و هنر را در خدمت انسانیت قرار دهند و آن را پار دیگر برای بالا بردن سطح‌ها، بیدار کردن وجدان‌ها، درمان کردن دردهای بزرگ اجتماعی و برای سرکوب کردن ظلم و فقر و بی‌سوادی و کوری به کار برند. دیده می‌شود که مکتب‌های ادب و هنر در تطورشان و در بازگشت و فرارشان از مراحل تاریک و

کثیف افراطی رو به رمانتیسیم آورده‌اند؛ یک نوع رمانتیسیم مؤثر و انسانی، هنری که عواطف آدمی را برای پایمال کردن بدی‌ها و زنده داشتن خوبی‌ها برانگیزد، چیزی از قبیل رمانتیسیم هوگو که یک جلوه عالی و بسیار مؤثر آن در بینوایان است، در این کتاب عالم‌گیر، در این کتابی که هرگز نخواهد مرد و همیشه برای انسان و انسانیت در ردیف اول کتاب‌های خوب قرار خواهد داشت.

شادمانم که باز چاپ تازه‌ای از ترجمه این شاهکار انسانی تقدیم می‌دارم.

حسینقلی مستعان

اردیبهشت ۱۳۴۸

### از مقدمه مترجم بر چاپ نهم

خوشوقتیم که بار دیگر، اکنون که صد سال تمام از تصنیف بینوایان و از تاریخ نشر نخستین چاپ آن به زبان فرانسه می‌گذرد این کتاب را برای تجدید چاپ آماده می‌کنم، و این تصویر هوگو هم که یکی از زبان‌دارترین تصاویر قلمی او است ضمن این مقدمه به خوانندگان عزیزم تقدیم می‌دارم.

صد سال پیش بینوایان هوگو در یک روز به زبان فرانسه و هشت زبان دیگر در سراسر جهان انتشار یافت و نزدیک به چهل سال پیش بود که من همت و حوصله روزگار جوانی‌ام را ضمن همه کارهای مطبوعاتی و ادبی‌ام، صرف ترجمه این کتاب نیز کردم و به زودی اولین چاپ آن را به زبان فارسی تقدیم داشتم.

یک امر دیگر مایه خوشوقتی و افتخار من است و آن این است که اصولاً بینوایان گذشته از آنکه ترجمه یک اثر بزرگ جهانی شمرده می‌شود مدت‌هاست که به صورت یک کتاب نخبه فارسی مورد توجه قرار گرفته است و مثل این است که کتاب دوست‌های ایرانی این را به صورت یک اثر ایرانی پذیرفته‌اند و کمیاب نیستند افراد هنردوست و دانشمند و بانصافی که بینوایان را یک نمونه ممتاز و قابل پیروی نشر فارسی کنونی محسوب می‌دارند.

حسینقلی مستعان

آذر ۱۳۴۳

### درباره چاپ ششم و هفتم و هشتم

پیش از نشر ششمین چاپ کتاب بینوایان ناگزیر از آن شدیم که یک نوبت هم این کتاب را به صورت جزوه در ده‌ها هزار نسخه چاپ و منتشر کنیم و یک چاپ،

با حذف قسمتی از حواشی و پیرایه‌ها با تیراژ زیاد انتشار دهیم زیرا که دست‌اندازی و تجاوز در کشور ما به کتاب و ادبیات نیز سرایت کرده است و نارسایی قوانین و بی‌اعتنائی مراجع قضایی و ادارمان می‌کرد که عمل ناروای متجاوزان را به این وسیله خنثی سازیم. یک فرد عاجز و زبون و پست نهاد به کمک یکی دو مدعی بی‌مایه و فاقد اخلاق، با استفاده از ترجمه من و دزدیدن یا تحریف قسمت عمده آن، کتابی به همین نام فراهم آورد و خود را رسوا کرد. اکنون که بار دیگر ترجمه من چاپ می‌شود، فرصت را مغتنم می‌شمارم و از خوانندگان عزیز می‌خواهم که ترجمه مزور و قلابی بینوایان را نپذیرفتند و نفرت و بیزار می‌خود را از این کار ناروا عملاً ابراز داشتند. صمیمانه تشکر می‌کنم.

حسینقلی مستعان

فروردین ۱۳۳۹

### از مقدمه مترجم بر چاپ پنجم

بینوایان هوگو مسلماً هرگز کهنه نخواهد شد و هرگز اهمیت و ارزشش تقلیل نخواهد یافت. این یکی از کتب انگشت‌شماری است که اگر هزاران طوفان سهمگین و سیل بنیان‌کن از مکتب‌ها و سبک‌ها از سرشان بگذرد همچنان استوار خواهند ماند و چیزی از عظمت ابدی‌شان کاسته نخواهد شد. پیروان مجنون صفت ادبیات مخرب و دوستداران مال‌خولیایی سبک‌های مهوع و تهوع‌پرست و شیفتگان فاسد آزادی و دریدگی و بی‌عفتی قلم ممکن است از بینوایان که درس صلاح و انسانیت و اخلاق می‌دهد رو بگردانند، ولی کسانی که روح ادب و خاصیت و هدف آن را می‌شناسند و کسانی که از رسالت نویسنده هنرمند و وظیفه واقعی او آگاهند همیشه این کتاب را در رأس کتاب‌های خوب قرار می‌دهند. فرق بسیار [است] بین نوشته‌ای از قبیل نوشته‌های نو که دل را به تهوع وامی‌دارند و تن را به هوس و شهوت می‌انگیزانند و آثاری از قبیل بینوایان که در جان می‌نشینند و دل را تکان می‌دهند. از این جهات است که بینوایان هرگز نخواهد مرد و توجه بی‌نظیر ایرانیان روشن‌روان و باذوق به این کتاب در بحبوحه هرزگی و بی‌بندوباری مدعیان بی‌مایه نونویسی و نوپردازی دلیل بارزی است بر اینکه این خراب‌کاران و فسادطلبان در کار خود توفیق نیافته‌اند و مردم ایران ادبیاتی را که مبلغ فساد و مشوق هرزگی و مخرب صلاح و تقوا و مؤید بیچارگی و دیوانگی باشد دوست نمی‌دارند.

اینجا اجازه می‌خواهم یک تأسف بزرگم را به عرض خوانندگان برسانم و آن مربوط



به چند ترجمه است که این اواخر از بعضی آثار هوگو شده و به طبع و نشر نیز رسیده است. کاری به آن ندارم که بعضی از این‌ها را از قبیل کارگران دریا و مردی که می‌خندد و نتردام دوپاری خود من ترجمه کرده‌ام و در پایان مقدمه چاپ دوم بیتویان به این موضوع اشاره شده است و اگرده ترجمه دیگر نیز از این آثار نشر شده باشد زیانی به کار من نخواهد رساند، اما حیرتم از جسارتی است که مترجمان بی‌مایه و فاقد صلاحیت را به ترجمه آثار بزرگ وامی‌دارد و تأسفم از تضييع این آثار به دست این افراد و اهانتی است که از این راه بر مصنفان عالی‌قدر جهان وارد می‌آید. ای کاش که ناشران و بنگاه‌های مطبوعاتی ما نیز مانند همکاران خارجی‌شان هیئت صالحی برای تشخیص ترجمه خوب و صحیح از ترجمه غلط و ناقص می‌داشتند زیرا که در کشور ما شاید فقط به این وسیله بتوان جلوی هرج‌ومرج و خودسری امروز را از ترجمه آثار معروف ادبی و هنری جهان گرفت.

حسینقلی مستعان

آذر ۱۳۳۶

### از مقدمه مترجم بر چاپ چهارم

امسال که صد و پنجاهمین سال ولادت هوگو بود، این شاعر گران‌مایه و نویسنده و فیلسوف بزرگ اجتماعی، در سراسر جهان قدر و منزلت بیشتری پیدا کرد. من طی ماه‌های گذشته در بعضی جشن‌های باشکوه که به این مناسبت در فرانسه، انگلستان، سوئیس، بلژیک، ایتالیا و آلمان به یاد هوگو برپا شد حضور یافتم؛ مثل این بود که هوگو زنده است یا امروز هفتاد سال پس از مرگش زنده شده و اثر تازه‌ای بزرگ‌تر و درخشان‌تر از همه آثارش منتشر کرده است. یکی از نویسندگان بزرگ معاصر فرانسه در مقاله‌ای که به مناسبت صد و پنجاهمین سال ولادت هوگو نوشته بود، شعری آورده بود که با اندک تفاوت، مضمون این شعر معروف سخن‌سرای بزرگ خودمان را به یاد می‌آورد:

دگر به روی کسم دیده بر نمی‌آید

خلیل من همه بت‌های آذری بشکست

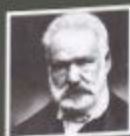
این نویسنده نوشته بود: «صدها شاعر و نویسنده که در زمان خود در قرن نوزدهم بزرگ بودند یا خود را بزرگ می‌شمردند مردند و رفتند و آثارشان در کنج فراموشی افتاد؛ ده‌ها تن از صاحبان قریحه عالی که کمر عناد و مخالفت با هوگو و آثار او بسته بودند

و به وی می‌تاختند، هم خود سردر دامن خاک کشیدند و هم نامشان کمابیش از یاد رفت. بزرگانی مثل فرانس نیز با همه خودستایی و جلوه‌گری و با همه تاخت و تاز به هوگو، از مد افتادند، اما هوگو هر روز زنده‌تر و بزرگ‌تر و درخشان‌تر می‌شود. امروز هم مثل پنجاه سال و صد سال پیش کسانی که آثار و اشعارش را می‌خوانند، دیگر رغبت نمی‌کنند چشم و دل از آن‌ها برگزینند و به چیز دیگر پردازند.»

همه جراید و مجلات و اکثر نویسندگان بزرگ دربارهٔ هوگو مقالات مبسوط نگاشتند و روزنامهٔ هنرچاپ پاریس نوشت: «ای هوگو، در حق تو چه گوئیم که هرچه بگوئیم تو از آن بالاتری!» و یک مجلهٔ معروف دیگر، او را که همیشه استاد نامیده می‌شد، خدا نامید. کلمات کوچک و عبارات کوتاهی که هوگو در مقدمهٔ بینوایانش نوشته بود امسال یک بار دیگر در سراسر جهان محروم و رنج دیده که هنوز دستخوش ظلم و استعمار و استثمار، هنوز گرفتار قوانین و رسوم غلط، هنوز محکوم به سوختن در دوزخ‌های ساختگی اجتماع است درخشیدن گرفت، به چشم‌ها خورد و چون زبونی مرد به دلیل رنجبری، انحطاط زن در نتیجهٔ گرسنگی و درماندگی کودک به علت جهل و ظلمت هنوز حل نشده است و هنوز در سراسر جهان اختناق اجتماعی با کمال شدت وجود دارد، همه اعتراف کردند که باز هم آثار هوگو را باید خواند و بیش از همیشه باید خواند.

در سراسر جهان جشن‌ها و نمایش‌هایی به افتخار او برپا شد. در نیویورک به نام هوگو یک نمایشگاه بزرگ تشکیل یافت. در چین نیز امسال به ترجمه و نشر همهٔ آثار هوگو به زبان خالص چینی پرداختند. جهان کمونیسم نیز تجلیلی عظیم و کم‌نظیر از این شاعر و نویسندهٔ آزادمنش کرد و آثار او را در ردیف اول آثار خواندنی جهانی به شمار آورد.

من در خانهٔ هوگو در پاریس و بین یادگارهای دوران حیات او آرزو کردم که اگر فرصتی دست دهد یک بار دیگر بینوایان را با تجدیدنظر در ترجمهٔ آن به چاپ رسانم و دیگر آثاری را هم که از هوگو ترجمه کرده‌ام هر چند ترجمه‌های دیگری از آن‌ها باشد طبع کنم. چون به تهران بازگشتم با شوق فراوان به تجدیدنظر در ترجمهٔ بینوایان پرداختم و شادمانم که اینک می‌توانم ترجمهٔ نسبتاً دقیقی از این کتاب بی‌نظیر تقدیم خوانندگان عزیزم کنم.



سینتریان، یکی از رمان‌های بزرگ قرن نوزدهم.  
برای اولین بار در سال ۱۸۴۲ منتشر شد.  
این رمان با شروع انقلاب فرانسه در ۱۸۸۵  
و به اوج رسیدن آن در ۱۸۴۳ در پاریس، از  
تمرکز بر زندگی چند شخصیت و فراز و فرود  
روسی محکوم سابقه‌داری به نام ژان واکزین  
شکل گرفت. بیهولان علاوه بر بررسی تاریخ فرانسه، معماری و طراحی  
کلان‌شهر پاریس، سیاست‌ها، فلسفه اخلاق، فضاوت‌ها و مذهب،  
ماهیت عقلی را نیز شرح می‌دهد. شاهکار ویکتور هرگم همچنان به  
محبوبیت بزرگی بر روی صحنه نمایش، تلویزیون و سینما دست یافته  
است.

موسسه اندیشه و فرهنگ  
www.mafk.ir

دوره ۳۸۰ هزار تومان

